



Victimization of Women on Social Networks: Manifestations and Solutions

Maryam Emami¹ , Muhaddeseh Sadeghiani Lamaraski ² 

1. PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran (Corresponding author), Email: emamimaryam308@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran, Email: mohaddeseh.sadeghian@gmail.com

Abstract

Received:
12/02/2025
Revised:
15/05/2025
Accepted:
03/06/2025
**Published
online:**
22/06/2025

Despite their positive functions, virtual social networks have significant negative effects on the occurrence of criminal behaviors. These effects can be examined at two main levels: first, creating a suitable platform for cybercrimes against women and second, inciting and facilitating crimes in the real space. From a criminological perspective, various theories explain this phenomenon. Lifestyle, daily activity and opportunity theories explain how social networks have become a platform for cybercrime. In contrast, social learning, differential association and imitation theories analyze the mechanism by which these networks influence users' behavior and their propensity to commit crimes in the real world. Examples of cybercrime against women include pornography, cyber stalking, defamation and spreading falsehoods. On the other hand, the influence of networks in the real world can lead to crimes such as murders caused by learning or imitation. Statistics show that women are more exposed to online harassment than other users, which has severe psychological consequences such as stress and anxiety and lasting emotional damage. In the Iranian legal system, although laws have been passed to combat cyber violence, the country's criminal policy in the field of preventing victimization of women has serious shortcomings. The development of new technologies such as artificial intelligence and techniques such as deepfake have added to the complexity of these challenges and have increased the likelihood of increasing rates of victimization in women. This situation makes it even more obvious than before the need for a fundamental review of existing laws and the development of effective preventive models.

Keywords: violence, women on social networks, artificial intelligence, fear of crime, crime prevention.

How To Cite: Emami, M. & Sadeghiani Lamaraski, M. (2025). Victimization of Women on Social Networks: Manifestations and Solutions, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 1(2), 1-23. <http://www.doi.org/10.22091/diplic.2025.13662.1024>.





بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی؛ نمودها و راهکارها

مریم امامی^۱، محدثه صادقیانی لمراسکی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: emamimaryam308@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران. رایانامه:

mohaddeseh.sadeghian@gmail.com

چکیده

شبکه‌های اجتماعی مجازی با وجود کارکردهای مثبت، تأثیرات منفی قابل توجهی در بروز رفتارهای بزهکارانه دارند. این تأثیرات را می‌توان در دو سطح اصلی بررسی کرد: نخست، ایجاد بستر مناسب برای جرائم سایبری علیه زنان و دوم، تحریک و تسهیل جرائم در فضای حقیقی از منظر جرم‌شناسی، نظریه‌های مختلفی این پدیده را تبیین می‌کنند. نظریه‌های سبک زندگی، فعالیت روزانه و فرصت، چگونگی تبدیل شدن شبکه‌های اجتماعی به بستر جرائم سایبری را توضیح می‌دهند. در مقابل، نظریه‌های یادگیری اجتماعی، معاشرت ترجیحی و تقلید، مکانیسم تأثیرگذاری این شبکه‌ها بر رفتار کاربران و گرایش آنان به بزهکاری در جهان واقعی را تحلیل می‌کنند. مصادیق جرائم سایبری علیه زنان شامل هرزه‌نگاری، مزاحمت‌های سایبری، هتک حیثیت و نشر اکاذیب است. از سوی دیگر، تأثیر شبکه‌ها در فضای حقیقی می‌تواند به جرائمی مانند قتل‌های ناشی از یادگیری یا تقلید منجر شود. آمارها نشان می‌دهد زنان بیش از سایر کاربران در معرض آزارهای آنلاین قرار دارند که پیامدهای روانی شدیدی مانند استرس و اضطراب و آسیب‌های عاطفی پایدار به همراه دارد. در نظام حقوقی ایران، هرچند قوانینی برای مقابله با خشونت سایبری تصویب شده، اما سیاست جنایی کشور در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان دارای کاستی‌های جدی است. توسعه فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و تکنیک‌هایی چون جعل عمیق، بر پیچیدگی این چالش‌ها افزوده و احتمال افزایش نرخ بزه‌دیدگی زنان را تقویت کرده است. این وضعیت، لزوم بازنگری اساسی در قوانین موجود و توسعه مدل‌های پیشگیرانه کارآمد را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

واژگان کلیدی: خشونت، زنان در شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، ترس از جرم، پیشگیری از جرم.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۴

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۱۳

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۰۴/۰۱

استناد: امامی مریم، صادقیانی لمراسکی محدثه (۱۴۰۴). بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی؛ نمودها و راهکارها، آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای

اسلامی، (۲)، ۲۳-۱. http://www.doi.org/10.22091/diplic.2025.13662.1024



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

مقدمه

مطابق جدیدترین داده‌ها و برآوردهای جمعیت‌شناسان بخش جمعیت سازمان ملل متحد نزدیک به نیمی از مجموع تقریباً ۸ میلیارد نفر تعداد کل جمعیت جهان در سال ۲۰۲۰ میلادی (۴۹.۶ درصد) را جمعیت زنان تشکیل می‌دهد که از این تقریباً ۴ میلیارد نفر، بیشترین جمعیت زنان (نزدیک به ۷۵ درصد) در کشورهای درحال توسعه جهان سوم ساکن هستند، حدود ۱۵ درصد در کشورهای پیشرفته صنعتی و در حدود ۱۰ درصد آنان نیز در کشورهای بسیار کم توسعه جهان سکونت دارند. در کشور ما نیز مطابق نتایج آخرین سرشماری عمومی جمعیت، تعداد کل جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ نزدیک به ۸۰ میلیون نفر بود که همانند مقیاس جهانی، تقریباً نیمی از آنان (۴۹.۳ درصد) را جمعیت زنان تشکیل می‌دهند. با توجه به رشد و توسعه تکنولوژی نقش پررنگ زنان در زندگی و حیات بشر روزبه‌روز بیشتر شده و در باب اوصاف و توانایی این جمعیت تأثیرگذار همین یک نکته کفایت که انقراض بشر به هستی زن وابسته است. نکته حائز اهمیت این است که فارغ از نگاه تولیدمثل و زایشی، زنان نقوش شایان و بی‌نظیر دیگری در جوانب گوناگون برجای گذاشته‌اند که در دنیا یکتا مانده است. در گزارشی بین‌المللی جایگاه زنان بر اساس شاخص‌های «آموزش و تحصیلات»، «اقتصاد و اشتغال»، «سیاست و قدرت» و «بهداشت و سلامت» سنجیده می‌شود که تمامی این شاخص‌ها با یکدیگر ارتباط غیرقابل انکاری دارند و می‌توان امیدوار بود تا با توجه به توانمندی‌های ارزشمند از جمله ساختار سنی جوان جمعیت و تعداد جمعیت فزاینده زنان و دختران دارای تحصیلات دانشگاهی و همچنین با بهره‌مندی بیشتر از نظرات علمی اندیشمندان و متخصصان، پیشرفت و بهبود هرچه بیشتر وضعیت زنان در آینده‌ای نزدیک محقق شود. لازم به ذکر است در این میان ظهور تکنولوژی‌های نوین نظیر شبکه‌های اجتماعی^۱ و هوش مصنوعی، دنیای جدید و دسترسی‌پذیری برای همگان باز کرده تا هر فرد بنا بر نیاز و علاقه در آن به فعالیت بپردازد. این ابزارها فاصله‌های زمانی و مکانی را از بین برده است و در انتقال مطالب آموزشی بسیار مفید هستند. همچنین می‌توان با استفاده از فضای مجازی آموزه‌های دینی و ارزش‌های انسانی را هم منتشر کرد و هم محتوای ضداخلاقی و انسانی را منتقل نمود، شبکه‌های اجتماعی در کنار این اثرات منفی و مخرب فواید بی‌نظیری برای پیشرفت و ترقی جوامع، سازمان‌ها و افراد نیز داشته است و انتخاب بعد مثبت یا منفی هر فناوری بر عهده خود کاربر است. اعتمادبه‌نفس نداشتن برخی از بانوان، یکی از دلایل حضور آن‌ها در فضای مجازی است؛ به‌طور میانگین میزان اعتمادبه‌نفس بانوان در جهان متأسفانه از آقایان پایین‌تر است، زنان به دلیل اینکه کمتر وارد چرخه مشارکت

۱. شبکه‌های اجتماعی نسل جدیدی از وب‌سایت‌های اینترنتی مبتنی بر تکنولوژی وب هستند (Bradley flinn, 2009: 3). سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، به کاربران عضو امکان می‌دهند یک پروفایل شخصی بسازند، لیستی از دیگر کاربران داشته باشند و با آن‌ها ارتباط دوسویه برقرار کنند (Hayes, 2009: 10).

اجتماعی می‌شوند، اعتماد به نفس پایینی دارند و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از دید آن‌ها فعلاً یکی از بهترین فرصت‌های است که می‌توانند خود را در آن نشان دهند.

آسیب‌های اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی به تمامی عوامل خطرزایی اطلاق می‌شود که در گستره جامعه رخ می‌دهد، به عبارت واضح‌تر آسیب‌هایی که ریشه در کنش و واکنش‌های انسان در پیوند با اجتماع دارد و طی چند دهه اخیر و با تغییر الگوی زندگی و پیچیدگی اجتماعات و مهم‌تر از همه «تنهایی انسان در جامعه مدرن»، این آسیب‌ها نیز افزایش یافته است. به‌عنوان نمونه ضعف نهاد خانواده و صلح ارحام، جرئت و جسارت ارتکاب جرم به خاطر ناشناخته بودن در محیط را می‌توان از دیگر معایب این ابزارها دانست. در واقع می‌شود هر روز با یک هویت خاص وارد این فضا شد، لذا این فضا خود به خود جرم‌زا و آسیب‌آفرین است. همچنین کسانی که در استفاده از اینترنت افراط می‌کنند، به جای اینکه به دنبال ارتباط برقرار کردن با نزدیکان و فامیل‌ها باشند به دنبال چت کردن و دوست‌یابی در خارج از خانه هستند. وجود شبکه‌های اجتماعی گفتگو در میان خانواده‌ها را کمتر کرده است، به صورتی که فضای مجازی پیوندها و روابط سنتی را تضعیف می‌کند. اکثر روابطی که از طریق شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود، پایه و اساسی ندارد، زیرا مبنای واقعی ندارد. در این گونه روابط معمولاً افراد ناشناس هنگام توصیف خود در این شبکه‌ها، تصویر غیر واقعی از خود ارائه می‌کنند و به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه موجب فریب افکار دیگران می‌شوند. از آنجایی که خانم‌ها به‌طور کلی در جامعه در مقایسه با مردان در برابر اتفاقات آسیب‌پذیرتر هستند، بر همین اساس آثار شبکه‌های اجتماعی بیشتر متوجه خانم‌ها می‌شود و سوءاستفاده‌ها ممکن است این فضا را برای خانم‌ها آسیب‌پذیرتر کند.

حضور افراطی زنان در شبکه‌های اجتماعی باعث دور شدن اعضای خانواده از همدیگر می‌شود، شبکه‌های اجتماعی به نوعی نقش مادر بودن و همسر بودن زن را مختل می‌سازند، شاید یکی از معضلات شبکه‌های اجتماعی، ورود بی‌اجازه به حریم خصوصی اشخاص مختلف است. این مسئله را می‌توان اصلی‌ترین عامل نارضایتی زوجین از حضور همسرشان در شبکه‌های اجتماعی دانست. شبکه‌های اجتماعی آسیب‌های جدی به خانواده‌ها می‌زند و حضور بیش از اندازه اعضای خانواده در شبکه‌های اجتماعی طلاق عاطفی را در میان خانواده ایرانی گسترش داده است. فقدان همدلی و فقدان مهارت گفت‌وگو میان زوجین موجب پناه بردن آنان به شبکه‌هایی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام می‌شود تا از این طریق نیازهای عاطفی خود را برآورده کنند. ورود به این شبکه‌ها ممکن است با آسیب‌هایی همراه باشد، چراکه روز به روز از ارتباط مثبت زوجین با یکدیگر کاسته می‌شود. در چنین حالتی و نداشتن گفتگوی صمیمانه بین زوجین موجب سکوت و انزوای آنان می‌شود و سکوت زوجین، زیرساخت آسیب‌های زندگی مشترک است. نقص حریم خصوصی و شکستن حریم مخصوصاً در زنان، انزوا و دور ماندن از محیط‌های واقعی، مصنوعی و غیرحقیقی بودن ارتباطات در این فضاها، بی‌هویتی، بحران هویت و اختلال شخصیت، فریب و بهره‌کشی جنسی، انتقال اطلاعات غیرصحیح، سوءاستفاده از اطلاعات

شخصی و پروفایل، دوستی‌های بدون مرز و ضابطه، گسست فکری و عاطفی در بین اعضای خانواده، گریز از واقعیت از دیگر معایب این ابزارها است که می‌توان با آموزش صحیح استفاده از فضای مجازی از طریق نهادهای آموزشی مانند آموزش و پرورش و خانواده در کاهش آسیب‌های مجازی مؤثر باشند و با ایجاد محیط‌های مجازی خانوادگی سالم ضمن کنترل فرزند خود و ایجاد امنیت و با دعوت افراد شناخته شده بخشی از نیازهای فرزندان خود را برآورده کرده و فرصت حضور زنان، فرزندان، افراد در محیط‌های ناسالم را از بین ببرند.

تمامی موارد قید شده به دلیل داشتن جنبه‌های مثبت و منفی فراوان قابلیت بررسی همه‌جانبه دارند، لذا لازم است تا دستگاه‌های نظارتی و عموم مردم هریک نقش خود را به‌خوبی در راستای کاهش آسیب‌های ممکن ایفا کنند. از طرفی دستگاه‌های نظارتی با آگاهی بخشیدن عمومی و فرهنگ‌سازی اجتماعی به‌گونه‌ای عمل کند تا هر فرد با حقوق فردی و اجتماعی خود در این راستا آشنا باشد تا بروز آسیب پیشگیری کند، از سوی دیگر با وضع قوانین و مجازات‌ها مدیریت این فضا را بر عهده بگیرد.

خشونت علیه زنان و دختران هیچ مرز مشخص نداشته و همه نژادها، فرهنگ‌ها و افراد از سطوح اقتصادی مختلف را در بر می‌گیرد و نه تنها زنان و دختران را قربانی خود ساخته، بلکه افراد پیرامونی آن‌ها و جامعه به‌طور کل نیز از این امر آسیب می‌پذیرند. دسترسی فزاینده به اینترنت، انتشار سریع اطلاعات و فناوری‌های ارتباطاتی و همچنین تنوع رسانه‌های اجتماعی از یک سو فرصت‌های جدیدی را پیش‌روی می‌نهد تا مسئله خشونت علیه زنان و دختران در کانون توجه قرار گیرد، اما از سوی دیگر خود به ابزاری برای اعمال خشونت علیه زنان و دختران بدل شده است.

کاربران حاضر در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز همواره در معرض بزه‌دیدگی هستند، زیرا سبک زندگی و حضور پررنگ آن‌ها، بدون توجه به رعایت الزامات پیشگیرانه، می‌تواند موجب بزه‌دیدگی آن‌ها شود. برای مثال در خصوص بزه‌دیدگی مزاحمت سایبری می‌توان بیان داشت که هر کسی ممکن است قربانی جرم مزاحمت باشد، چه به صورت تصادفی و چه هنگامی که فرد اطلاعات شخصی خود را در اینترنت منتشر می‌کند. اگرچه شواهد و مستندات در این زمینه غیرعلمی است، لیکن قویاً مطرح شده که بیشتر مرتکبان، مرد و بیشتر قربانیان زن هستند، هر چند که موارد متعددی از آزار و اذیت مردان توسط زنان و نیز هم‌جنسان شایع شده است (reno, 1999: 14). بر خلاف مردان مزاحم، زنان بیشتر تمایل به تعقیب و آزار و اذیت همسران و دوستان سابق خود دارند تا آنکه به دنبال بیگانگان باشند. همچنین زنان مزاحم در پی یافتن دیگر هم‌جنسان خود به امید برقراری رابطه دوستانه و صمیمانه هستند. اما از نظر برخی محققان مزاحمان زن از نظر جمعیت شناختی و وضعیت روحی و روانی، شباهت بسیاری به مردان مزاحم دارند، با این حال سوء‌پیشینه کیفری و سوء‌مصرف مواد در مرتکبان مرد بیشتر است (Purcell et al, 2001: 158).

چنانچه اشاره شد، هر کسی ممکن است قربانی جرم مزاحمت باشد، اما برخی اقشار بیش از دیگران در معرض خطر هستند مانند زنان، کودکان و نوجوانان، کاربران جدید در فضای سایبر و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر (Hutton & Haantz, 2003: 17). در پژوهشی که در سال ۲۰۰۲ توسط یکی از گروه‌های حامی بزه‌دیدگان برخط، مشهور به جنبش «تلاش برای توقف سوءاستفاده بر خط» انجام شد، ۷۱ درصد قربانیان مزاحمت سایبری زن بودند و ۵۹ درصد آن‌ها تجربه ارتباط قبلی با مزاحم را داشتند. به نظر می‌رسد که وجود رابطه قبلی، اعم از واقعی یا تخیلی، عامل محرک مزاحم سایبری، به‌ویژه هنگامی که بزه‌دیده می‌کوشد رابطه را خاتمه دهد. برای بررسی خشونت مجازی علیه زنان لازم است ابتدا مبانی نظری نقش بستری شبکه‌های اجتماعی مجازی (۱) بررسی شود تا در گام دوم با بیان انواع جرائم بر علیه زنان در فضای سایبری (۲)، به مهم‌ترین علل اجتماعی آن پرداخت و سرانجام راه‌کارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی (۳) را بیان نمود.

۱. مبانی نظری نقش بستری شبکه‌های اجتماعی مجازی

۱-۱. نظریه سبک زندگی

دیدگاه شیوه زندگی که توسط گات فردسن، هیندلنگ و گاروفالو (۱۹۷۸) توسعه یافت در پی بررسی این مسئله است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند؟ مطابق این دیدگاه آنان بر این باورند که جرم یک واقعه اتفاقی نیست، بلکه بزه‌دیدگی بر اساس شیوه یا سبک زندگی افراد و عملکرد زندگی آنان متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آن‌ها دارد، چراکه شیوه و سبک زندگی افراد را بیشتر در دسترس و در معرض تهاجم بزه‌کاران قرار می‌دهد. هرچه افراد شیوه زندگی بازتری داشته باشند خطر و احتمال بزه‌دیدگی شان نیز بیشتر می‌شود. بر این اساس این نظریه توزیع نامنظم بزه‌دیدگی در زمان و مکان را بر حسب تفاوت شیوه زندگی بزه‌دیدگان و دیگران تبیین می‌کند.

نظریه شیوه زندگی به‌واسطه عواملی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از این فاکتورها نقشی است که افراد در جامعه ایفا می‌کنند و این نقش، بعضاً کمابیش آن‌ها را به‌سوی بزه‌دیدگی می‌کشاند. برای مثال جوانان بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند. زیرا نقش‌های اجتماعی آن‌ها سبب می‌شود بیشتر در محیط‌های مجرمانه و خطرناک و یا در زمان‌های خطرناک رفت‌وآمد کنند. عامل دیگر تصمیمات افراد در مورد محدوده رفتارهایشان است. افراد با انتخاب فعالیت‌هایی در زمان‌ها و مکان‌هایی خاص و خطرناک، احتمال بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند.

موقعیت فرد در ساختار اجتماع نیز می‌تواند در احتمال بزه‌دیدگی مؤثر باشد، چراکه اغلب هر چه افراد دارای موقعیت اجتماعی بالاتری باشند، به دلیل فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند و محیط‌هایی که به آن رفت‌وآمد می‌کنند خطر بزه‌دیدگی شان پایین می‌آید. هر چه افراد با اشخاص بزه‌کار و یا محیط‌هایی مجرمانه و خطرناک و یا زمان‌های

خطرناک‌تر رفت‌وآمد کنند شانس بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند. موقعیت‌های احتمالی به وجود آمده بین بزه‌کار و بزه‌دیده بالقوه با توجه به سبک زندگی آن‌ها تغییر می‌کند. بنابراین با توجه به تصمیماتی که افراد برای برگزیدن انواع شیوه‌های زندگی اتخاذ می‌کنند، احتمال بزه‌دیدگی نسبتاً قابل پیش‌بینی است و می‌توان گفت علل بزه‌دیدگی برخی افراد انتخاب نوع سبک زندگی آنان است که خطر بزه‌دیدگی را کم یا زیاد می‌کند.

بر اساس این نظریه می‌توان بزه‌دیدگی سایبری را تحلیل کرد. توضیح آنکه چنانچه برخی افراد در فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی زندگی آزادتری داشته باشند احتمال بزه‌دیدگی خویش را افزایش می‌دهند. برای مثال برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون تلگرام و اینستاگرام عکس‌هایی از خود را بر روی پروفایلشان قرار می‌دهند. چنین عملی قطعاً زمینه را برای بزه‌کاران بالقوه می‌تواند فراهم کند که از عکس‌های کاربران سو استفاده کنند و مرتکب رفتارهای بزه‌کارانه‌ای همچون هرزه‌نگاری شوند. همچنین پذیرفت درخواست‌های اشخاص ناشناس یا برقراری روابط با آن‌ها یا عضویت در گروه‌های نامتعارف می‌تواند زمینه بزه‌دیدگی را فراهم نماید.

۱-۲. نظریه فعالیت روزانه

این نظریه که بیشتر به لاری کوهن و مارکوس فلسن ۱۹۷۹، مرتبط است در مقام پاسخ به این پرسش است که چه عواملی تمایل به ارتکاب جرم را مساعد می‌کند و موقعیت و شرایط بزه‌دیده و یا آنچه را شرایط مشرف بر وقوع جرم می‌نامیم تا چه اندازه در وقوع جرم مؤثر است. نظریه فعالیت روزمره اساساً بر آن اعتقاد است که جرم ارتکاب یافته و بزه‌دیدگی با طبیعت خصوصیات زندگی معمولی انسان یا به عبارتی تعامل‌ها و همکنش‌های اجتماعی در ارتباط است و هم‌زمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات، نرخ جرائم نیز تغییر می‌کند. به عبارتی همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد، فرصت‌های وقوع خشونت و تعدی را هم فزونی می‌بخشد. فعالیت‌های روزمره شامل هر فعالیت اجتماعی عادی می‌شود که برای برآوردن نیازهای اساسی زندگی صورت می‌گیرد. برخی افراد بر اساس تفاوت‌هایشان در فعالیت‌ها، بیش از دیگران به‌عنوان آماج برای بزه‌کاران و ارتکاب جرم، ایدئال به نظر می‌آیند و به همین ترتیب برخی موقعیت‌ها به دلیل نوع و میزان فعالیت اجتماعی برای وقوع جرم مناسب‌تر هستند.

بر این اساس ارائه‌کنندگان این نظریه معتقدند وقوع جرم می‌تواند بیانگر حضور سه عامل باشد:

۱. مجرمین برانگیخته و انگیزه‌داری که مستعد ارتکاب جرم هستند، مانند افراد بیکار یا جوانان بی‌سرپرست؛
۲. وجود هدف یا آماج مناسب و جاذبه‌دار، مانند خانه‌های بی‌حفاظ یا ماشین‌های قفل نشده؛
۳. پایین بودن یا عدم وجود ایمنی و محافظت از هدف مانند عدم حضور مالکین خانه یا پلیس یا همسایگان.

بنابراین، این نظریه بر عنصر «فرصت مجرمانه» نیز به شکلی اساسی، تأکید می‌کند. البته این نظریه پردازان علاوه بر عوامل سه‌گانه بالا، تغییراتی را که در جامعه سبب نابسامانی اجتماعی می‌شود نیز مورد توجه قرار داده‌اند و معتقدند هم‌زمان با تغییرات اجتماعی، فرصت ارتکاب جرم نیز تغییر می‌کند.

فعالیت‌های اجتماعی و روزمره سبب می‌شود تا مجرمان و قربانیان به ارتباط با یکدیگر برسند و نوعی همگرایی میان مجرمان با انگیزه، اهداف و عدم ایمنی ایجاد شود و تغییر در این فعالیت‌ها احتمال وقوع جرم را بیشتر و یا ضعیف‌تر می‌کند. به دلیل فعالیت‌های روزمره، قربانیان مناسب اغلب بیشتر یافت می‌شوند؛ مثلاً برنامه کاری فرصت‌هایی را برای سرقت از طریق حضور یک هدف مناسب با نگهبان کم به وجود می‌آورد. تغییرات اجتماعی مانند افزایش زنان شاغل موجب کاهش تعداد افراد منزل در طی ساعات کاری شده و احتمال سرقت بالا می‌رود. بنابراین از این نظریه جهت تشریح نرخ‌های بزه‌دیدگی برای برخی جرم‌ها نیز می‌توان استفاده کرد. برخی افراد بر پایه تفاوت‌هایشان در فعالیت‌های جاری، بیش از دیگران برای سرقت، تجاوز، قتل و... مناسب هستند و به همین شکل برخی موقعیت‌ها به دلیل نوع فعالیت‌ها و میزان فعالیت اجتماعی موجود برای وقوع جرم مناسب‌تر هستند.

احتمال بزه‌دیدگی عملکردی است که به انگیزه مجرمانه و رفتار بالقوه بزه‌دیدگان مربوط است و این نظریه نوعی رهیافت محسوب می‌شود که راه مورد اطمینانی برای درک جرم و خصوصیات بزه‌دیدگی است، البته دامنه نظریه فعالیت روزمره به مجرمانی که در تلاش‌اند تا به تشریح این پردازند که چه چیزی جرم را تسهیل می‌کند، نیز گسترده شده است. لذا رهیافت فعالیت‌های عادی یا روزمره که اساساً فقط شامل بزه‌دیدگی می‌شود، اینک یک نظریه جرم‌زایی نیز هست.

۱-۳. نظریه فرصت جرم

در تبیین علل وقوع جرم تاکنون نظریات مختلفی ارائه شده است. یکی از نظریاتی که در چند دهه پیش در جرم‌شناسی ظهور پیدا کرده است، نظریه فرصت جرم^۱ است. تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزه‌کار و بزه‌دیده، جرم واقع نمی‌شود، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب نیز فراهم باشد. این همان امری است که ما در فلسفه تحت عنوان فراهم بودن مقتضیات و فقدان موانع می‌شناسیم. پس تئوری فرصت از نقش مثبت شرایط زمینه‌ساز وقوع جرم و نقش منفی عوامل مانع وقوع جرم، صحبت می‌کند و مدعی است که افزایش فرصت‌های ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرائم را هم افزایش داده و برعکس کاهش فرصت‌های ارتکاب، احتمال وقوع جرائم را تقلیل می‌دهد. اصول این نظریه ابتدا توسط کوهن، کلوگل و لند^۲ تدوین و ارائه شده (سلیمی

1. Crime Opportunity Theory

2. Cohen, Kluegel & Land

و داوری، ۱۳۸۰: ۳۳۷) و سپس توسط فلسون و کلارک^۱ تکمیل شده است (محمدنسل، ۱۳۸۶: ۲۹۴). مطابق این نظریه چنانچه فرصت‌های ارتکاب رفتارهای بزهکارانه در فضای سایبری و شبکه‌های مجازی وجود داشته باشند، احتمال ارتکاب بزه و به تبع آن بزه‌دیدگی افزایش می‌یابد. بنابراین با از بین بردن چنین فرصت‌هایی می‌توان به پیشگیری از بزه و بزه‌دیدگی کمک کرد.

۲. بزه‌های بر ضد زنان در شبکه‌های اجتماعی

هنگامی که حرف از خشونت علیه زنان به میان می‌آید، بیشترین تصویری که در ذهن نقش می‌بندد شاید چشمی خون گرفته، کبودی اطراف چشم، استخوانی شکسته و در کل جسمی آسیب‌دیده باشد، اما خشونت همیشه آشکار نیست و نه تنها خود همیشه عیان نیست، گاهی عاملان آن هم پشت هزاران نمایه و نام کاربری رنگارنگ پنهان شده‌اند. به دنبال این جریان باید دانست که خشونت سایبری همانند خشونت فیزیکی زیانبار و آزاردهنده است. شاهد مثال این نوع خشونت‌ها عبارت‌اند از: آزار و اذیت مجازی و اینترنتی شامل ارسال پیام‌های مرعوب‌کننده یا تهدیدآمیز، پیامک جنسی بدون رضایت، شامل ارسال پیام‌ها یا تصاویر برهنه یا جنسی بدون رضایت گیرنده، نشر عمومی اطلاعات خصوصی یا شناسایی اطلاعات مربوط به قربانی. با توجه به اینکه خشونت تأثیرات قابل توجهی بر سلامت جسمی و روانی زنان و دختران دارد (زارع و خرم‌دل، ۱۴۰۳: ۷)، می‌توان مهم‌ترین بزه‌ها علیه زنان را می‌توان در سه دسته زیر خلاصه کرد:

۱-۲. هرزه‌نگاری

هرزه‌نگاری^۲ به معنای ارائه صحنه‌های آشکار جنسی در یک اثر ادبی یا هنری است. هرزه‌نگاری معادل فارسی واژه «پورنوگرافی» است. پورنوگرافی از ترکیب دو واژه یونانی تشکیل شده است: «porne» به معنای فاحشه و فاحشه بازی کردن و «graphein» به معنای نوشتن و تحریر کردن است. بنابراین معنای لغوی و ابتدایی پورنوگرافی عبارت است از فاحشه‌نگاری، تحریر و توصیف فعالیت روسپی‌ها و به تعبیر فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، هرزه‌نگاری. ارائه تعریفی واحد از هرزه‌نگاری کاری بسیار مشکل است، چراکه از یک سو این پدیده دارای پیش‌زمینه‌های ذهنی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی است و از سوی دیگر تعریف آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است. در فرهنگ آکسفورد پورنوگرافی این‌گونه تعریف شده است: «توصیف صریح یا نمایش ارگان‌های جنسی یا فعالیت آن‌ها به منظور تحریک جنسی (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). قانون‌گذار ایرانی در ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای به پورنوگرافی در قالب جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی توجه داشته و مقرر می‌دارد: «هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را تولید،

1. Felson & Clarke

2. Pornography

ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد»^۱

داده هر نمادی از وقایع، اطلاعات، اشکال یا مفاهیم است که قابل ایجاد و یا ارائه یا انتشار یا پردازش در سیستم‌های رایانه‌ای است. داده رایانه‌ای چند ویژگی دارد. اول اینکه لزوماً متضمن بیان مفهوم یا اطلاعات قابل درک نیست و ایجاد یک خط یا نقطه یا حرف به معنای ایجاد یا ارائه داده خواهد بود؛ دوم آنکه همواره دارای ارزش مالی نیست و بلکه بسیاری از داده‌های رایانه‌ای دارای ارزش اقتصادی نبوده و قابلیت دادوستد ندارند. با این حال باید گفت که هر چند در ایران واژه هزینه‌نگاری را معادل پورنوگرافی می‌دانند، اما دقیقاً معادل آن نیست. زیرا پورنوگرافی به محتویاتی اعم از نوشته، تصویر و فیلم اطلاق می‌شود که نمایشگر فعالیت جنسی یا رفتار جنسی تحریک‌آمیز بوده و به‌منظور تحریک جنسی تولید شده باشد، اما هزینه‌نگاری عام‌تر از پورنوگرافی و ناظر به محتویاتی است که بر پایه قانون و شرع دارای ارزش نیستند و استعمال آن به دلیل عام بودنش است که شامل هر نوع محتوای بی‌ارزش و زشت است (عالی‌پور، ۱۴۰۰: ۲۹۹). هزینه‌نگاری در اصل در زمره رفتارهایی چون ساخت فیلم، تصویر، صوت یا متن نشانگر آمیزش جنسی و امور مرتبط با آن است. به رفتار ساختن یا تولید، باید رفتار تغییر در فیلم، تصویر، صوت یا متن را نیز افزود که در این دومی نیز چیز نوینی که بر ضد اخلاق و عفت همگانی است پدید می‌آید. از این رو، رفتارهای ماده ۱۴ عبارت‌اند از: تولید، ذخیره، نگهداری، انتشار، توزیع و معامله.

تولید به معنای ساختن یا پدید آوردن محتویات مستهجن و مبتذل است و ذخیره، انباشتن داده‌های مزبور است (عالی‌پور، ۱۴۰۰: ۲۹۹). مطابق تبصره ۵ بند (الف) ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶، آثار مستهجن به آثاری گفته می‌شود که محتوای آن‌ها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد.

۲-۲. مزاحمت سایبری

مزاحمت سایبری یا آزار مجازی به استفاده از اینترنت، رایانامه یا دیگر ابزارهای ارتباط الکترونیکی برای ارتکاب رفتاری مجرمانه در قالب تهدید، ترساندن و آزار و اذیت یک یا تعداد بیشتری از بزه‌دیدگان اطلاق می‌شود. بدین سان می‌توان گفت مزاحمت سایبری کسی است که از اینترنت به‌عنوان یک سلاح یا ابزار برای به دام انداختن، فریب دادن، اذیت کردن، تهدید، ایجاد ترس و دلهره در قربانیان از طریق روش‌های فنی و پیچیده مزاحمت استفاده می‌کند (پیتارو، ۱۳۹۲: ۱۰۱۶ - ۱۰۱۵). به سخن دیگر مزاحمت سایبری به هرگونه رفتار یا اقدام الکترونیکی یا اینترنتی گفته می‌شود که به قصد اذیت، آزار، تهدید یا ایجاد ناراحتی برای فرد دیگر انجام شود. این رفتار می‌تواند

۱. همچنین می‌توان ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند را مستند قانونی قرار داد. ماده ۶۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز به پورنوگرافی در فضای حقیقی توجه داشته است.

شامل ارسال پیام‌های تهدیدآمیز، توهین‌آمیز، انتشار اطلاعات خصوصی، تهدید به افشای اطلاعات شخصی، یا ایجاد مزاحمت در فضای مجازی باشد.

مصادیق مزاحمت سایبری: ارسال پیامک یا ایمیل‌های تهدیدآمیز یا توهین‌آمیز، ایجاد صفحات جعلی در شبکه‌های اجتماعی برای تحقیر یا توهین، انتشار غیرمجاز اطلاعات خصوصی یا شخصی افراد، هک حساب‌های کاربری و ارسال پیام‌های مزاحم به دوستان یا خانواده قربانی و آزار و اذیت اینترنتی^۱ در فضای مجازی.

جرم مزاحمت سایبری با توجه به پیشرفت فناوری‌های ارتباطی، به یکی از جرائم مهم فضای مجازی تبدیل شده است و قانون‌گذار با وضع مواد قانونی خاص سعی کرده است از حقوق افراد در فضای مجازی محافظت کند. اثبات این جرم نیازمند جمع‌آوری ادله دیجیتال و شناسایی دقیق مرتکب است که گاهی با چالش‌هایی مواجه است، اما با توجه به قوانین موجود، مجازات‌های مشخصی برای آن تعیین شده است که بازدارندگی مناسبی دارد. در قانون جرائم روشنی حکم روشن و صریحی در خصوص جرم مزاحمت سایبری وجود ندارد و از این رو باید از حقوق کیفری سنتی مدد گرفت. به موجب ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از پانزده روز تا سه ماه محکوم خواهد شد.

در کنار این جرم می‌توان از قلدری مجازی نیز یاد کرد که آسیب‌هایی به زنان در فضای مجازی وارد می‌نماید. سایبربولینگ (قلدری مجازی) پدیده‌ای جدید و چندبعدی است که اگرچه تاکنون محققان موفق به ارائه تعریفی مورد وفاق در مورد آن نگردیده‌اند اما منجر به ورود آسیب‌های زیادی در قربانیان خود خصوصاً نسل جوان گردیده است. سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام محیط‌های جدیدی را برای مرتکبان آن فراهم کرده است که به وسیله آن‌ها پیام‌ها و اطلاعات نادرست را درباره اشخاص منتشر و یا به صفحات شخصی افراد دسترسی پیدا می‌کنند و به تحقیر آن‌ها در فضای مجازی می‌پردازند و این امر ضرورت وجود قوانین کیفری را در این زمینه نشان می‌دهد (حسینی و دیگران، ۱۴۰۲: ۷۶).^۲

۳-۲. هتک حیثیت و نشر اکاذیب

شبکه‌های اجتماعی مجازی علاوه بر آنکه تأثیر بسزایی بر روابط نامشروع و اعمال خلاف عفت می‌گذارند، بر هتک حیثیت افراد، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی نیز تأثیر دارد. در واقع آنچه نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی در فضای سایبر را از ارتکاب چنین جرائمی در فضای واقعی مهم‌تر و خطرناک‌تر می‌گرداند آن است که در فضای سایبر به جهت ارتباطات گسترده افراد با هم از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی این اخبار به سرعت

۱. Cyberbullying

۲. حسینی، سیده آمنه و دیگران، بررسی جرم قلدری مجازی در حقوق کیفری ایران و آمریکا، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۷، شماره ۳، ۱۴۰۲، ص ۷۶.

در سرتاسر یک کشور و حتی جهان پخش شده و از این جهت دامنه وسیعی از افراد را درگیر خود کرده و تبعات وسیع تری به وجود خواهد آورد. همچنین امروزه بهره‌گیری از ابزار جعل عمیق از طریق هوش مصنوعی، بستری را برای ارتکاب جرائم علیه حیثیت زنان به وجود آورده است.

به موجب ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای که در صدد جرم‌انگاری نشر اکاذیب برآمده است: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، راساً یا به‌عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقام‌های رسمی به‌طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

در فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی رفتار مجرمانه دیگری که به صورت مکرر رخ می‌دهد، هتک حیثیت افراد است. در این شبکه‌ها تصاویر مختلفی از افراد که تغییر یافته‌اند به نمایش گذاشته می‌شوند. بدین‌سان قانون‌گذار در قانون جرائم رایانه‌ای برای حمایت از حیثیت افراد و مصون ماندن آن از تعرضات گوناگون به جرم‌انگاری رفتارهای نقض‌کننده حیثیت پرداخته است.

به موجب ماده ۱۶: «هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

تبصره: چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۱۷ نیز که در راستای حمایت کیفری از حیثیت است مقرر می‌دارد: «هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

۳. عوامل اجتماعی بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی

عوامل مختلفی مانند هویت فرهنگی، انتقال بین‌نسلی و شیوه‌های ناصحیح جامعه‌پذیری در خشونت بر علیه زنان نقش دارند (آریانی، ۱۳۹۵: ۵۱۰). با وجود اینکه به عقیده برخی اختلافات والدین و رفتار تحریک‌آمیز زنان دو عامل اصلی خشونت علیه زنان در فضای سایبری است (فتاحیان، ۱۳۹۶: ۱۵) در این قسمت سعی می‌شود مهم‌ترین دلایل بیان شوند.

۱-۳. نقش رسومات جنسیتی در بروز خشونت

امکانات فضای مجازی به خودی خود نه خوب و نه بد است، بلکه بر حسب استفاده‌ای که از آن می‌شود، می‌تواند جنبه خوب یا بد بگیرد. امروز صحبت از سواد رسانه‌ای نیز هست، علاوه بر سواد خواندن و نوشتن فرد در جامعه امروز، باید نحوه استفاده و موارد استفاده از فضای مجازی و چگونگی تشخیص صحت یا فریبکاری در پیام‌ها را بیاموزد

در رابطه با علل خشونت علیه زنان در فضای مجازی می‌توان دلایل مختلفی را برشمرد که یکی از عوامل مؤثر، تأثیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که از طریق جریان جامعه‌پذیری به افراد منتقل می‌شود. طی سالیان، خشونت نسبت به زنان و کودکان از نشانه‌های ساختارهای اقتداری «پدرسالاری» در جامعه شناخته می‌شد. ای بسا که بسیاری از محققان یکی از دلایل خشونت علیه زنان در فضای واقعی را همین امر یعنی تداوم نظام پدرسالاری در جامعه می‌دانند. تأثیر نظام مردسالاری بر خشونت علیه زنان را می‌توان در فضای مجازی هم مشاهده کرد، زیرا این تصور که مردان فراتر و بهتر و قدرتمندتر از زنان هستند، هنوز در جامعه و در میان بسیاری از فرهنگ‌ها وجود دارد و ورود تکنولوژی‌ها سبب شده این خرده‌فرهنگ‌ها و باورها به عرصه رسانه هم وارد شود که نتیجه آن بروز خشونت علیه زنان در فضای سایبری است.

۲-۳. نقش سواد رسانه‌ای در بروز خشونت

در سطح میانی نیز باید به شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی و همچنین عضویت افراد در این شبکه‌ها اشاره کرد. عصر مدرنیته که با ویژگی‌هایی مثل گسترش فضای ارتباطات شناخته می‌شود، امکان دسترسی به این ابزارها و برنامه‌ها را برای همگان فراهم کرده است. در این دوران کمتر کسی وجود دارد که از انواع پلتفرم‌ها، شبکه‌ها و کارکرد آن‌ها اطلاع نداشته باشد. اما با وجود همه کارکردها، بعضاً شاهد کژکارکردهایی نیز در این فضا هستیم که از آن جمله کلاهبرداری‌ها، تجاوز به حریم شخصی دیگری و انواع خشونت‌ها است. ناآگاهی کاربران و بعضاً سواد رسانه‌ای اندک خود می‌تواند زمینه‌ساز بروز چنین خشونت‌هایی باشد؛ زیرا گاه فرد بدون هیچ آگاهی تمامی اطلاعات خود را در اختیار دیگری قرار می‌دهد، حال آنکه آن دیگری ممکن است به سوءاستفاده از این منابع و اطلاعات پردازد و آن را وسیله‌ای برای زورگیری، انتقام‌گیری و مواردی از این دست قرار دهد. در برخی موارد پدران، برادران و دیگر اعضای خانواده به دلیل رسوبات جنسیتی مطرح شده، ممکن است مخالف حضور زنان در فضای اجتماعی باشند و آن را نوعی بدنامی و رسوایی برای خود بیندارند، در نتیجه در این زمان آن‌ها این حق را به خود می‌دهند تا دخالت کرده و از این رو زن را مورد خشونت خود قرار دهند. بنابراین، بخشی از شبکه روابط اجتماعی ممکن است به نظام خویشاوندی برگردد، بخشی به گروه همسالان و بخشی هم به دیگرانی که به واسطه تصورات ذهنی که از حضور زنان در فضاهای اجتماعی دارند و این‌طور تصور می‌کنند که زنان باید در فضاهای مشخصی شرکت

کنند، باز می‌گردد. زنان هم با توجه به مشارکت خود در این فضا و در گروه‌های مختلف ممکن است با انواع قضاوت‌ها و برچسب‌ها روبه‌رو شوند و از این رو دچار مسائل و مشکلاتی شوند. زیرا اگر زنان نتوانند آن موقعیت ذهنی و یا واقعی را به دست آورند و یا به خوبی از عهده آن برآیند، احساس تحقیرشدگی و نامطلوبی به آن‌ها دست می‌دهد که این موارد از مصادیق نوین خشونت علیه آن‌ها در فضای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی در ذات خود گونه‌های خاصی از فرهنگ را ترویج می‌کنند که این‌گونه جدید فرهنگی مبتنی بر مصرف بیشتر و ارائه الگوهایی است که جوامع را یکدست و یکسان می‌سازد. بنابراین ناخودآگاه در پلتفرم و اتفاقاتی که در آن اتفاق می‌افتد، جامعه زنان را به سمت دیده شدن و جلب توجه کردن و مورد تأیید واقع شدن، سوق می‌دهد تا زنان بتوانند در آن بستر، موقعیت بهتری را برای خود تعریف کنند.

۳-۳. کنشگری زنان در فضای مجازی

در سطح خرد می‌توان کنشگران و نحوه کنشگری آن‌ها در فضای مجازی را از عوامل مؤثر خشونت علیه زنان دانست. ناآگاهی زنان، ورود آن‌ها به برخی گروه‌ها، عضویت در پاره‌ای از شبکه‌ها و انتشار اطلاعات شخصی و در میان گذاشتن آن‌ها با افراد ناآشنا، می‌تواند زمینه بروز انواع خشونت سایبری علیه زنان را فراهم کند. در این زمینه می‌توان در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت کنشگری زنان در فضای مجازی را در چهار گروه جای داد:

۱. افرادی که به صورت آگاهانه در فضای مجازی فعالیت می‌کنند. آن‌ها دانش و آگاهی لازم را دارند و فعال

هم هستند و مراقبت‌های لازم را هم انجام می‌دهند؛

۲. بانوانی که آگاهانه اما منفعل در فضای مجازی بوده و تنها دریافت‌کننده و گیرنده معناها و محتواها هستند؛

۳. زنانی که ناآگاهانه و فعالانه در این فضا قدم گذاشته‌اند. این افراد به واسطه مُد اجتماعی وارد این فضا شده و نمی‌دانند چطور باید حریم شخصی خود را حفظ کنند و به راحتی اطلاعات شخصی خود را در اختیار همگان قرار می‌دهند. معمولاً این دسته از افراد هم بیش از سایرین در معرض آسیب و خشونت‌های سایبری قرار می‌گیرند؛

۴. اشخاصی که ناآگاهانه و منفعلانه در این فضا حضور دارند.

می‌توان به ویژگی‌های زیستی و شخصیتی افراد هم اشاره کرد. اینکه فرد چه میزان درون‌گرا یا برون‌گرا است، چه میزان اعتمادبه‌نفس دارد یا چه میزان دانش و آگاهی دارد، چه میزان به استعدادها و توانایی‌های خود واقف است و چنانچه تصورش بر این باشد که دارای این استعداد، توانایی و دانش است و در شبکه روابطی قرار بگیرد که این دسته از روابط را تجویز کنند، ممکن است باوجود داشتن این ویژگی‌های ذاتی سرکوب شود و اجازه این را ندهند تا کارش را انجام دهد. از طرفی بخشی از شرکت در این فضا و مشارکت در آن، ممکن است به شکل پنهانی و دور از اطلاع خانواده و آشنایان اتفاق بیفتد که در نتیجه انواع آسیب‌ها و انحرافات را برای فرد به همراه داشته باشد. خانواده، دوستان و نوع کنشگری افرادی که در این فضا هستند، در بروز خشونت علیه زنان نقش دارند. برای مثال ممکن است طردشدگی زنان از خانواده منجر به این شود که کنشگری نامناسبی در فضای مجازی

داشته باشند که همه این‌ها می‌تواند تعمیق‌کننده خشونت علیه آن‌ها شود. یعنی فرد به افراد عامل خشونت در این فضا پناه می‌آورد، اعتماد می‌کند و خود اعتماد و عدم مراقبت از حریم خصوصی و اطلاعات شخصی می‌تواند منجر به خشونت‌های بعدی علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی شود. بنابراین هم خود زنان می‌توانند دامن‌زننده خشونت شوند و هم سایر عوامل اجتماعی.

۳-۴. خلأ قوانین مقابله با خشونت مجازی

به‌طور قطع، قوانین می‌توانند راهگشا باشند، با این حال در برخی از موارد مانند حوزه‌های مختلف هوش مصنوعی همچون جعل عمیق قوانینی وجود ندارد. اما باید توجه داشته باشیم که قوانین تا به اینجا منجر به پیشگیری نشده، حتی به توان‌افزایی یا ایجاد نگاه سلبی برای منع خشونت علیه زنان در فضای مجازی هم منجر نشده است. حتی وقتی شاهد خشونتی علیه زنان هستیم و پلیس هم وارد عمل می‌شود، به نظر می‌رسد قوانین بازدارنده یا مانع نبودند، یا حتی خاصیت پیشگیرانه هم نداشتند. در رابطه با پیگیری قانونی خشونت‌ها در فضای مجازی، بخشی از خطاها به خود زنان در این فضا بازمی‌گردد. از این نظر که به دلیل ترس‌های اجتماعی و نگاه‌هایی که ممکن است ایجاد شود، برخی زنان تمایل ندارند تا موضوع را قانونی دنبال کنند. بنابراین به نظر می‌رسد، بخشی از بحث خشونت علیه زنان به مراجع قضایی کشیده نمی‌شود. این در حالی است که به‌منظور یک اصلاح قانونی حتماً باید یک اصلاح اجتماعی در بین زنان و خانواده‌ها اتفاق بیفتد تا سطح آگاهی‌ها افزایش یابد و آن را مبنی بر رسوایی یا حقارت ندانند.

طیف مخاطراتی که زنان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند، می‌تواند گسترده باشد، انواع و اقسام خشونت‌ها، آزارهای کلامی، تجاوز به حریم خصوصی و آسیب‌های روانی و جامعه‌شناسی گسترده با کمک قوانین می‌تواند با برقراری الزامات، مانع ورود این آسیب‌ها شود و اگر آسیبی هم وارد شد، کیفیتی مطلوب برای رسیدگی به آن آسیب را پیش‌بینی کند. نقش مؤلفه‌های فرهنگی و آموزش هم در این حوزه در کنار قوانین، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. این در حالی است که اگر قوانین از جنبه‌های حمایتی و پیشگیرانه برخوردار نباشد و بخش‌های فرهنگی و آموزشی هم تا حدودی مغفول مانده باشد، به هر حال در قوانین موجود یکسری جرم‌انگاری‌هایی شده و جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی در قانون جرائم رایانه‌ای پیش‌بینی شده است و هدف از پیش‌بینی آن‌ها حفاظت از حریم خصوصی زنان و ممانعت از استفاده ابزاری از زنان است، به همین دلیل زنان این حق را دارند که اگر جرائم علیه آن‌ها اتفاق افتاد، شکایت کنند. قانون موجود تضمین‌کننده حقوق آن‌ها است و می‌توان ناقضان امنیت و ناقضان حریم خصوصی را بر اساس این مجازات‌های قانونی، مورد رسیدگی کیفری قرار داد، البته این جرم‌انگاری‌ها و مجازات‌های قانونی، نمی‌توانند کافی باشند.

بحث آسیب‌های زنان در فضای مجازی، جنبه‌های فرهنگی دارد و لازمه آن این است که زنان از حقوق خود در فضای مجازی هم اطلاع داشته باشند و موارد خلاف و ناقض حقوق خود را تشخیص دهند، با آن مقابله کنند،

به نهادهای ذی‌ربط گزارش دهند و در نهایت آگاهی هم برای سایر افراد ایجاد شود. در خصوص جرم‌انگاری‌ها در قانون جرائم رایانه‌ای، فصلی وجود دارد به نام جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و از موارد این فصل، می‌توان در این خصوص استفاده کرد. بحث اول، در زمینه تولید محتویات مستهجن و توزیع و انتشار آن است. در واقع، این محتویات، می‌تواند انتشار تصاویر خصوصی یک زن باشد و ترغیب و تهدید و تحریک افراد به وسیله آن محتویات جرم‌انگاری شده و مجازات برای آن‌ها در نظر گرفته شده و بر حسب دامنه انتشار و قصد منتشر کننده، مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل دیگری، بحث هتک حیثیت و نشر اکاذیب مورد توجه قرار گرفته و در تغییر و تحریف صوت و تصویر دیگران و انتشار آن جرم‌انگاری شده، همین‌طور بحث انتشار تصویر یا فیلم خصوصی خانوادگی یا اسرار دیگران هم جرم‌انگاری شده، حتی اگر کسی به قصد اضرار دیگری و تشویش اذهان عمومی هم مطلبی را منتشر کند، به‌عنوان نشر اکاذیب به آن پرداخته شده و جرم‌انگاری شده است. این جرائم خاص، از جمله جرائمی هستند که در صورتی که امنیت زنان مخدوش شود، می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. ضمن اینکه اگر زنان در فضای مجازی مورد خشونت و آزار قرار بگیرند، چه آزار کلامی یا انواع و اقسام آزارهای دیگر، طبق قانون مجازات، قابلیت پیگرد را دارد و به زنان این حق را می‌دهد که برای تأمین امنیت خود به مراجع قضایی مراجعه کنند و بر این اساس، پیگیری‌های قانونی را داشته باشند. البته به غیر از تمامی موارد یاد شده، لایحه جدیدی هم در خصوص زنان تدوین شده و آن لایحه هم تا حدودی به تأمین امنیت زنان در فضای مجازی ورود کرده و علاوه بر جرم‌انگاری‌های خاص‌تر و دقیق‌تری که داشته تا حدودی جنبه‌های حمایتی و پیشگیرانه را نیز دربر گرفته است و می‌تواند در این حوزه تا اندازه قابل توجهی تأثیرات مثبت داشته و در نتیجه به کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی کمک شایانی نماید.

۳-۵. خلأ اجتماعی و فرهنگی در خشونت‌های دیجیتالی علیه زنان

تحقیقات صورت گرفته تاکنون حاکی از آن است که خشونت علیه زنان در فضای مجازی، اغلب جدی گرفته نمی‌شود و تنها مقامات معجری قانون نیستند که بر آن چشم می‌بندند، بلکه جامعه، خانواده و دوستان نیز آن را نادیده می‌گیرند. ممکن است کسی حرف زنان آزر دیده را باور نکند، در برخی موارد به زنان گفته می‌شود که ممکن است فاش شدن قضیه آنان را بدنام و یا حیثیتشان را لکه‌دار کند، یا به آن‌ها گفته شود که اگر نظراتشان را علنی بیان کنند، چیزی عوض نخواهد شد. این قبیل فشارهای اجتماعی و همچنین سکوت در مقابل این نوع از خشونت‌ها است که باعث می‌شود خشونت‌های مجازی ادامه یابند، گزارش نشوند و به اهمیت آنان نیز آن‌چنان که باید و شاید پرداخته نشود، از طرفی در بحث خشونت علیه زنان در جهان واقعی هم قوانین و مکانیسم‌های مشخصی نداریم که به نوعی حافظ حقوق و منافع آنان باشد، بنابراین به نوعی در جهان واقعی هم این خلأ وجود دارد. برای مثال حتی اگر زنی از حقوق خود دفاع کند و اگر دادگاه هم حکم بدهد، اما در نهایت می‌بینیم زنان بازنده می‌شوند. در

همین راستا گاهی در انواع فیلم‌های تولید شده هم شاهد هستیم که زنان به جای اینکه برچسب مثبت بخورند، در نهایت برچسب مقصر می‌خورند که «خود تو چه کاری انجام دادی که چنین رفتاری با تو شده است؟» این یکی از زمینه‌ها و دلایلی است که حتی اگر قوانین و مقرراتی هم برای این مورد وجود داشته باشد، اما به واسطه بسترهای فرهنگی و اجتماعی که از قبل وجود دارد، احقاق حق کامل عملیاتی نمی‌شود. در واقع زنان به دلیل ترس از برچسب‌ها حتی بسیاری از این خشونت‌ها را بازگو نمی‌کنند. بنابراین اگرچه در زمینه خشونت علیه زنان خلأ قانونی وجود دارد، اما خلأ اجتماعی و فرهنگی مقدم بر آن است. ابتدا باید نظام نگرشی و فرهنگی اصلاح شود و بعد از آن است که می‌توان در سطح قانون‌گذاری قدم‌های محکمی برداشت؛ یعنی تا نگرش اجتماعی فرهنگی درست نشود، حتی اگر قوانینی هم وضع شود، به‌طور کامل فایده نخواهد داشت.

۴. راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی

آنچه مسلم است برای کاهش دادن خشونت سایبری و آزار جنسی باید به زنان آگاهی داد. کسانی را که مورد آزار قرار گرفته‌اند، باید تشویق کرد تا از تجربیات خودشان بنویسند و حرف بزنند. هر چه که کمتر از سوءاستفاده‌گران جنسی و عاملان خشونت در شبکه‌های اجتماعی گفته شود، به همان میزان هم خشونت علیه زنان در عالم واقع افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که این احساس مسئولیت بیشتر بر عهده روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی، هنرمندان و... است. ایجاد فضا برای بحث و گفت‌وگو و همچنین حمایت کردن از قربانیان این نوع آزارها در فضای آنلاین به مرور به کاهش این فضای مسموم و خطرناک، کمک می‌کند. اگرچه ممکن است اقدام به افشای عاملان خشونت در فضای آنلاین سخت و دشوار باشد، چون گاهی مردانی دست به خشونت و آزار جنسی زنان می‌زنند که خود دارای جایگاه اجتماعی و علمی در جامعه هستند و چه بسا که همین موضوع هم بیشتر بر مخفی ماندن چهره آنان در فضای آنلاین کمک می‌کند. اما هر چه بیشتر به زنان و نوجوانان آگاهی داده شود و این عاملان خشونت احساس ناامنی بیشتری کنند، می‌توان انتظار داشت که قدم‌های خوبی برای کاهش خشونت و آزار جنسی زنان در فضای آنلاین و بعد از آن در فضای واقعی برداشته شود.

اینترنت و فضای مجازی دنیای جدیدی را پیش‌روی زنان قرار داده است که در کنار تمامی مزایایی که با خود به همراه دارد، می‌تواند به دلیل وجود خشونت سایبری، تهدیدی جدی برای آن‌ها محسوب شود. از این رو به‌منظور جلوگیری از این خشونت‌ها، راهکارهایی در دو سطح خرد و کلان پیشنهاد می‌شود: در سطح خرد، نقش خانواده‌ها بسیار اهمیت دارد. برای مثال، خانواده‌ها می‌توانند از راهبرد توجه اجتماعی یعنی گوش دادن به مسائل، تأکید کردن، علاقه‌مند نمودن، تحسین و تشویق و اظهار برخی علائم مثبت استفاده کرده و موجب تقویت روحیه همبستگی و دوری از خشونت‌ورزی شوند. در سطح کلان نیز دولت‌ها باید اشکال خشونت را با استفاده از ابزارهای فناوری به‌عنوان شکلی از خشونت علیه زنان به رسمیت شناخته و مکانیزم‌های قانونی، نظارت، پیشگیری و واکنش به این پدیده در سیاست‌های عمومی را بگنجانند.

برای ارائه راهکار منع خشونت علیه زنان نیاز به یک راه‌حل جهانی و راه‌حل‌های بومی و تأثیر و تعامل آن‌ها با یکدیگر است. در خصوص راه‌حل‌های جهانی برای رفع خشونت علیه زنان می‌توان از تلاش برای مقابله با کلیشه‌ها، مبارزه با تبلیغاتی که زنان را کلیشه‌های جنسیتی جلوه می‌دهد، تأکید بر آموزش از سنین کودکی بر مفهوم برتری جویی و قدرت نام برد. صحبت کردن از خشونت و ساکت نماندن، همانند آنچه در فضای مجازی با هشتک «من هم» شروع شد، می‌تواند تأثیر جهانی و بومی بسیاری بر آگاهی‌رسانی جمعی در خصوص خشونت علیه زنان باشد. مسلماً این راه‌حل‌های جهانی باید همراه با راه‌حل‌های بومی وارد عمل شوند. علاوه بر اعمال راهکارهای ایجاد شده در خصوص منع خشونت علیه زنان، آموزش و فعالیت فعالان حقوق زنان در حمایت از زنان آسیب دیده خشونت جز اولویت‌هاست.

نتیجه‌گیری

یکی از معضلات اجتماعی دنیای کنونی، خشونت علیه زنان و گسترش آن در حوزه‌های دیگری چون فضای مجازی است. پدیده خشونت علیه زنان چه در محیط خانواده و چه در سطح جامعه، نه تنها امری غیرقابل انکار بلکه در حال رشد است. البته عده‌ای معتقدند که خشونت‌ها همان‌هایی هستند که در گذشته بودند، ولی زنان دیگر زنان سابق نیستند. از این رو، اعتقاد بر این است که گسترش دامنه آگاهی‌های عمومی و تخصصی زنان، تأثیر مستقیمی بر انتشار موارد خشونت و آزار جنسی از سوی آن‌ها داشته و از این نظر تفاوت جدی با دنیای گذشته دارد. اما مشکل این است که با وجود تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های اعتراضی زنان و حمایت‌های بین‌المللی از حقوق زنان و آسیب دیدگان خشونت، شاهد آن هستیم که این خشونت‌ها به فضای مجازی هم وارد شده و به عبارت درست‌تر، می‌توان گفت که بزهکاران و خشونت‌ورزان در فضای واقعی جامعه، بخشی از اقدامات خود را به فضای مجازی انتقال داده‌اند. اقداماتی که خشونت‌ورزان در فضای مجازی انجام می‌دهند، متنوع است. معمولاً به نام زنان صفحه‌های جعلی ساخته می‌شود، زنان ترور شخصیتی می‌شوند، شماره‌های تماس زنان در صفحه جعلی به‌عنوان ارائه‌کنندگان خدمات جنسی منتشر می‌شود، به صفحات زنان فعال حمله می‌شود، با کلمات زشت و تهدیدآمیز پیام برای زنان گذاشته می‌شود و ده‌ها نوع خشونت دیگر که متأسفانه صورت می‌گیرد. این آزار و اذیت‌ها باعث می‌شود که زنان به‌طور ناخودآگاه از نظر روانی تحت تأثیر قرار بگیرند و احتمالاً اقدام به خودسانسوری کنند. بسیاری از زنان، با پدیده خشونت به خاطر جنسیت خود مواجه هستند. خشونت علیه زنان مرز مشخصی ندارد و همه جوامع و نژادها و فرهنگ‌ها را شامل می‌شود. این امر، هم زنان را قربانی و هم خانواده و جامعه را آسیب‌پذیر کرده است. در عین حال گسترش دسترسی به اینترنت، انتشار وسیع و سریع اطلاعات و وجود شبکه‌های اجتماعی، باعث شده است تا خشونت علیه زنان بعد گسترده‌تری پیدا کند. اعتقاد بر این است که هر نوع تهدید و تحقیر و توهینی که زنان در فضای مجازی تجربه می‌کنند، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم

بر زیست روزمره و فعالیت‌های فردی و اجتماعی آنان در بسترهای اجتماعی متفاوت از جمله مجازی و غیر مجازی می‌گذارد و زندگی آنان و در بسیاری از موارد سایر اعضای خانواده آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

خشونت و آزارهایی که زنان در بستر فضای مجازی تجربه می‌کنند در ابتدا روانی کلامی است، اما به مرور زمان و در صورت عدم مقابله، به سایر انواع خشونت حتی در برخی موارد خشونت فیزیکی نیز تبدیل می‌شود. خشونت در فضای مجازی، اگرچه ساختاری مشابه خشونت در جهان زندگی روزمره دارد، اما امکانات دنیای فناوری، لایه‌های این نوع خشونت را پیچیده‌تر و اثرش را شدیدتر کرده است. به‌طور معمول، هزینه خشونت در فضای دیجیتال برای شخص آزارگر کمتر از جهان خارج از شبکه است. در فضای مجازی شخص آزارگر ممکن است هرگز شناخته نشود و با اندکی احتیاط و مهارت، حتی از پیگیری قانونی مصون بماند. این بعد از قضیه است که خشونت مجازی را سخت‌تر و تأثیر آن را عمیق‌تر کرده است. در این شرایط، شخص آزاردهنده می‌تواند اقدامات خود را از محیط ملی به بین‌المللی گسترش دهد و افراد بیشتری را در معرض تهدید قرار دهد. به عبارت دیگر، پدیده خشونت علیه زنان، امری جهانی و بنابراین، نیازمند اقدامی جهانی نیز است.

در پایان این پژوهش و در مقام نتیجه‌گیری باید چند نکته را بیان داشت. اول آنکه شبکه‌های اجتماعی مجازی آن‌چنان ظهور پیدا کرده و رشد فزاینده‌ای داشته‌اند که می‌توان گفت امروزه بخش قابل توجهی از فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در فضای آن‌ها شکل می‌گیرد و زمان قابل توجهی را در آن‌ها سپری می‌نمایند. بدین جهت شناخت ویژگی‌های این شبکه‌ها امری الزامی است؛ دوم آنکه شبکه‌های اجتماعی مجازی هم دارای ویژگی‌های مثبت و هم منفی است. به دیگر سخن، این شبکه‌ها در کنار ویژگی‌های ارزنده‌ای که دارند، می‌توانند سبب بروز برخی مشکلات شوند که آن مشکلات از منظرهای مختلف قابل تأمل هستند، چراکه می‌توانند از منظر جرم‌شناختی، از عوامل تکوین جرم باشند؛ سوم آنکه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعاملات و ارتباطات شکل گرفته در آن از دو منظر می‌توانند بر وقوع بزهکاری تأثیرگذار باشند.

اول آنکه در فضای این شبکه‌ها ممکن است جرائمی به وقوع بپیوندند. دلایل این امر بسیار است، اما می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را ناشناختگی و پنهان ماندن هویت کاربران و عدم موجود نظارت در این فضا دانست. بدین سان این فضا مکان و بستری امن را برای بزهکاران بالقوه فراهم می‌آورد تا با خیالی آسوده به ارتکاب رفتارهای بزهکارانه خویش بپردازند. جرائم همچون روسپیگری، قوادی، مزاحمت، هتک حیثیت و نشر اکاذیب در فضای سایر از جمله این جرائم هستند که به کرات در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌ویژه بر ضد زنان به وقوع می‌پیوندند؛ دوم آنکه در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی، رفتارهای بزهکارانه ممکن است به صورت هنجار مطرح شوند؛ سوم آنکه در این فضا صحنه‌هایی از ارتکاب جرم یا فنون ارتکاب جرم به نمایش گذاشته شوند. بدین سان احتمال ارتکاب جرم در فضای حقیقی بر اساس مشاهدات و آموخته‌های کاربران در این شبکه‌ها بسیار زیاد است. بنابراین ممکن است کاربران در اثر تعامل با بزهکاران ارتکاب جرم یا فنون ارتکاب آن را آموخته یا

آنکه با دیدن صحنه‌های ارتکاب جرم سعی کنند از آن تقلید کرده و در فضای حقیقی مرتکب جرمی همسان با آموخته‌ها یا مشاهدات خویش شوند؛

چهارم آنکه در نهایت برای پیشگیری از ارتکاب جرم در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی دو مدل یا شیوه پیشگیری وجود دارد: پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی. در پیشگیری اجتماعی سعی بر تأثیرگذاری بر روی کاربران بالقوه یا بالفعل در شبکه‌های اجتماعی مجازی است تا با اتخاذ اقداماتی بر روی آن‌ها از بزهکار شدنشان جلوگیری به عمل آید. این پیشگیری در دو سطح جامعه‌مدار و رشدمدار اجرا می‌شود. در پیشگیری جامعه‌مدار هدف به‌طور معمول بزرگسالان است، در حالی که در پیشگیری رشدمدار، هدف مداخله در مراحل مختلف رشد کودکان و نوجوانان است تا با شناسایی عوامل خطر و اتخاذ تدابیر حمایتی از بزهکار شدن آن‌ها چه در زمان حال و چه در زمان آینده پیشگیری به عمل آید. از جمله مصادیق پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار می‌توان به فرهنگ‌سازی استفاده از این شبکه‌ها و تدوین کدهای رفتاری اشاره کرد و برای تجلی پیشگیری اجتماعی رشدمدار، سازوکارهایی همچون اقدامات مداخله آمیز والدین، تدابیر همیاری همسالان، تدابیر کاربری صحیح، تدابیر کاهنده آثار سوء، تدابیر آموزشی، تدابیر الزام‌آور و تدابیر رسانه‌ای را به کار بست. اما در مقابل، پیشگیری وضعی قرار دارد که ماهیتی بزه‌دیده محور دارد. در این مدل از پیشگیری، هدف شخصیت بزهکار نیست و توجهی به عوامل جرم‌زا در آن نمی‌شود. این مدل سعی در برهم زدن وضعیت‌های پیش‌جنایی دارد که با وجود آن‌ها احتمال ارتکاب بزه افزایش می‌یابد. بدین‌سان در این مدل هدف بر آن است تا با اتخاذ اقداماتی مانع بزه‌دیدگی اشخاص در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی شوند. از جمله این اقدامات می‌توان به حمایت از آماج‌ها، کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها، تغییر مسیر بزهکاران، توسعه محافظت‌ها، هویت‌شناسی کاربران و وجود نظارت‌های رسمی در این فضا اشاره کرد.

اما در مقام ارائه پیشنهادها، می‌توان چند راهکار را در پرتو دو مدل پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی مطرح کرد:

الف. راهکارهای پیشگیری اجتماعی:

۱. آموزش ویژگی‌های منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی توسط رسانه‌های جمعی؛
۲. فرهنگ‌سازی استفاده مطلوب از شبکه‌های اجتماعی مجازی توسط متولیان امر؛
۳. تدوین کدهای رفتاری برای الزام‌آوری مشاغل به استفاده مطلوب از شبکه‌های اجتماعی مجازی؛
۴. بهره‌گیری از سازمان‌های مردم‌نهاد جهت آموزش‌های لازم به زنان،
۵. تدوین سازوکارها و اجرای برنامه‌های پیشگیری رشدمدار توسط مدرسه‌ها و خانواده‌ها.

ب. راهکارهای پیشگیری وضعی:

۱. هشدار به کاربران خانم در پرتو پیشگیری‌های انفعالی جهت عدم برقراری ارتباط با افراد ناشناس در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی؛
۲. آموزش کاربران خانم برای رعایت نکات ایمنی جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی خود؛
۳. اتخاذ تدابیر پیش‌گیرنده وضعی همچون حمایت از آماج‌ها، کنترل ورودی و خروجی‌ها، تغییر مسیر بزه‌کاران، توسعه محافظت‌ها، هویت‌شناسی کاربران و وجود نظارت رسمی در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی.

فهرست منابع

- آریانی، محمدعلی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان». **کنفرانس ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری**.
- حسینی، سیده آمنه و دیگران (۱۴۰۲). «بررسی جرم قلدری مجازی در حقوق کیفری ایران و آمریکا». **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۲۷، شماره ۳.
- بای، حسینعلی؛ پورقهرمانی، بابک (۱۳۸۸). «بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی». **حقوق اسلامی**، شماره ۲۳.
- پیتارو، میشل (۱۳۹۲). **مزاحمت سایبری؛ گونه‌شناسی، علت‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی**. ترجمه: لمیاء رستمی تبریزی، سودابه رضوانی و مرضیه سادات آقامیرسلیم، علوم جنایی (کتاب دوم). چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- زارع، زهرا و خرم‌دل، کاظم (۱۴۰۲). «پیامدهای روانی خشونت علیه زنان و دختران». **پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان**، شماره ۲.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی کجروی**، چاپ اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- عالی‌پور، حسن (۱۴۰۰). **حقوق کیفری فناوری اطلاعات**. تهران: انتشارات خرسندی.
- فتاحیان، مریم (۱۳۹۶). «بررسی علل جهانی افزایش خشونت سایبری علیه زنان». **مجله قانون‌یار**، شماره ۳.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۶). «اصول و مبانی نظریه فرصت جرم، فصلنامه حقوق». بی‌نا، دوره ۳۷، شماره ۳.
- قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵/۳/۲).
- قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند (مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶).
- قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸/۳/۵؛ الحاقی به قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

Reference

- Bradley Flinn, M. (2009) Personal Information Sharing Behaviors of College Students via the Internet and Online Social Networks: A Case Study, Doctoral Dissertation, Robert Morris University.
- Hutton, S. & Haantz, S. (2003). Cyber Stalking. Retrieved from <http://www.nw3c.org>.
- Hayes, R. A. (2009) New Media, New Politics: Political Learning Efficacy and the Examination of Uses of Social Network Sites for Political Engagement, Doctoral Dissertation, Michigan State University.
- Purceel, R., Pathe, M. & Mullen P. E. (2001). A Study of Women Who Stalk. *The American Journal of Psychiatry*, 158- 206.
- Reno, j. (1999). 1999 Report on Cyber Stalking: A New Challenge for Law Enforcement and Industry. Retrieved from <http://www.usdoj.gov/criminal/cybercrime/cyberstalking.htm>.

In Persian

- Alipour, Hassan (2022). *Criminal Law of Information Technology*. Tehran: Khorsandi Publications.
- Ariani, Mohammad Ali (2016). "Study of Social Factors Affecting Violence Against Women". National Conference on Management, Psychology and Behavioral Sciences.
- Bai, Hossein-Ali; Pourghahrmani, Babak (2010). "Jurisprudential and Legal Study of Pornography in Cyberspace. *Islamic Law*, Issue 23.

- Computer Crimes Act (approved on 26/5/2009; supplement to the *Ta'zirat* Act 1996).
- Fattahian, Maryam (2017). "Studying the Global Causes of Increasing Cyber Violence Against Women". *Qanunyar Magazine*, No. 3.
- Hosseini, Sayedee Ameneh et. al. (2013). "Study of the Crime of Cyberbullying in Iranian and American Criminal Law". *Comparative Law Research*, Volume 27, Issue 3.
- Mohammadnasal, Gholamreza (2007). "Principles and Foundations of the Crime Opportunity Theory, *Law Quarterly*". Volume 37, No. 3.
- Pitaro, Michel (2013). *Cyber Harassment; Typology, Etiology and Victimology*. Translated by: Lamia Rostami Tabrizi, Sudabeh Rezvani and Marzieh Sadat Aghamirsalim, *Criminal Sciences (Book 2)*. First Edition, Tehran: Mizan Publishing.
- Punishment on Persons Who Engage in Unauthorized Activities in Audiovisual Matters Act (approved on 6/1/2008).
- Salimi, Ali and Davari, Mohammad (2001). *Sociology of Deviance*, First Edition, Qom: Seminary and University Research Institute.
- Ta'zirat* Act (approved on 22/5/1996).
- Zare, Zahra and Khoramdel, Kazem (2013). "Psychological Consequences of Violence Against Women and Girls". *Interdisciplinary Research on Women*, No. 2.